



سال چهارم، شماره پنجم
بهار ۱۳۹۷، ۲۰ صفحه

هنر

جایی که کار با عشق ملاقات میکند

فهرست

موزه نقاشی پشت شیشه



۳

دهمین سالگرد تاسیس کانون



۵

مصاحبه با هنرمند
وقتی علم و هنر با هم
آمیخته میشوند



۹

از نقاشی تا به زندگی



۱۳

معرفی هنر طراحی شخصیت



۱۱

کافه هنر

تازه ترین خبر های هنری



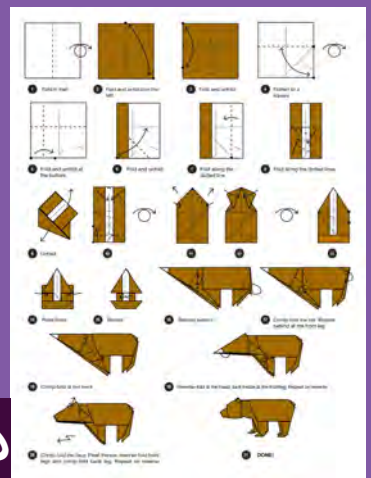
۱۷

طنز هنری

۱۹



۱۵



آموزش هنر

اورینگامی

سر مقاله سردیر

امین عبدالرحیمی دانشجوی کارشناسی شیمی محض ورودی ۹۴

همواره واژه هنر، تداعی زیبایی و جمال می نماید به گونه ای که همه مفهوم هنر، در بنای وجیه کلمه زیبا و زیبایی یک جا خلاصه شده است. گویی هنر مترادف کلمه زیبایی است و به نظر میرسد که اگر این واقعیت حقیقت داشته باشد، آفرینش سراسر همه هنر خداوند است. زیرا خداوند جمیل است و جز جمال خلق نمی کند.

هنر برای هنرمند بیش از هر چیز یک مشغولیت لطیف و دلچسب است. و البته بالاتر از مشغولیت های معمولی. هنر فرار و از خود برتر شدن است. گاهی افق زندگی به قدری یکنواخت و مبتذل می شود که انسان می خواهد فرار نماید؛ فرار به هر کجا که باشد، تا از دیدن پستی های اجتماع دمی بیاساید؛ اما فرار همیشه و برای همه آسان نیست. تنها هنرمند می تواند با ایجاد و ابداع یک هنر و با تمتع از آثار زیبا از زندگی یکنواخت فرار نماید. هنر تسلی ده و آزادی بخش است. به قول فیلسوف بدین آلمانی شوپن هاویر: "در این بیابان شوره زار هستی که عطش سوزان و پایان ناپذیری راهرو را از همه چیز نا امید می سازد، هنر مانند واحه و باغ خرمی است که می توان در پناه آن دمی بیاسود". هنر نه تنها شخص را از دلتنگی های مبهم و یأس و حرمان نجات می دهد، بلکه می تواند منبع لذت ها و شادی های بی پایان گردد. از دیدگاه داونچی، هنرمند پیشوای جهان محسوس و دیدنی است که نه تنها خود به خوبی می بیند بلکه وظیفه ای جز این ندارد که خوب دیدن را به آدمیان تعلیم دهد. هنرمند تمام دردها و رنج های پیدا و پنهان جامعه خویش را بازگو می نماید و آرزوها و آرمان های خویش را می سراید. بدین طریق به احساسات و عواطف جامعه عینیت می بخشد. عینیت یافتگی عواطف و احساسات مشترک انسانی توسط هنرمند، در واقع نوعی فرا فکنی است که به ما این امکان را می دهد که خود را در خلوتی که هنرمند برای ما فراهم می کند ببینیم.

هنرمند آینه ای است که با صداقت تمام، فرد و جامعه را به ما می شناساند و چهره واقعی آنان را به نمایش می گذارد. بنابراین انسان برای شناخت خود و جامعه اش باید در آینه آثار هنرمندان بنگرد و از آن بهره ببرد. آثار هنری به معنای دیگر، رها ساختن شخصیت انسان است. احساسات ما معمولاً مهار و سرکوب شده اند. ما با دیدن و مورد تامل قرار دادن یک اثر هنری علاوه بر احساس رهایی، احساس قوت و تعالی هم می کنیم. فرق اساسی میان هنر و احساساتی گری در همین جاست. احساساتی گری هم نوعی رهایی احساس است، ولی رهایی همراه با ضعف و وارفتن عواطف است.

تلاش ما در این گاهنامه هنری نیز بر این است که شما دوستداران هنر را اندکی از زندگی سرشار از دغدغه و اضطراب دور و به دنیای هنر نزدیک تر کنیم.



نیمکتی که در عکس مشاهده میکنید در کنار دفتر کانون هنر های تجسمی قرار داده و رنگ آمیزی اون رو دوستان کانونی انجام دادند

موزه نقاشی پشت شیشه

نویسنده: مهسا حسینی دانشجوی کارشناسی شیمی محض ورودی ۹۴

موزه نقاشی پشت شیشه ایران دومین موزه نقاشی پشت شیشه در جهان و تنها موزه مستقلی است که از شاخه های نگارگری اختصاص داده شده است. این موزه در برگیرنده مجموعه ای از نقاشی های پشت شیشه از دوران صفویه تا عصر حاضر است. بنایی که این موزه در آن واقع شده یکی از خانه های قدیمی تهران، متعلق به مرحوم دکتر سیاوش شقاقی، پزشک حاذق بیماری های ریوی است. این خانه پس از فوت دکتر شقاقی، توسط وارث وی به شخص دیگری واگذار و در سال ۱۳۷۴ کل مجموعه به سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران فروخته شد و در فروردین سال ۱۳۷۷ خورشیدی به صورت گنجینه ای از آثار نقاشی پشت شیشه از سوی شهرداری تهران، به سازمان میراث فرهنگی واگذار گردید.

ساختمان عمارت شقاقی

متعلق به دوران پهلوی اول بوده و معماری آن به سبک معماری های دوران قاجار تلفیقی از هنر ایرانی-اروپایی است. محوطه ای با زیربنای حدود ۳۵۰ متر مربع در فضایی با مساحت حدودی ۶۵۰ متر مربع بنا شده است. حیاط به سبک و سیاق چهار باغ ایرانی با حوضی که در وسط قرار گرفته است. عمارت بنا شامل سه طبقه زیرزمین، طبقه همکف و طبقه اول می باشد. نمای ساختمان دارای پوشش سفید روی سیمان است و ترکیب بندی انواع عناصر معماری من جمله: تعبیه پنجره ها و در های چوبی و نیز به کارگیری قوس های جناغی، هلالی، نعل اسبی و نقوش گچبری که با سیمان اجرا شده اند و نیز ستون ها و بالکن ها را می توان در نمای عمارت مشاهده نمود با وجود اینکه طبق یافته های باستان شناسی در ایران، قدمت شیشه و تزیینات آن به هزاره دوم قبل از میلاد در منطقه شوش بازمیگردد لیکن نقاشی بر پشت شیشه های تخت که ابتدا به عنوان عنصر معماری و سپس در قالب تابلوی تزیینی شناخته شده است به دلیل کمبود منابع و تحقیقات، هنری وارداتی محسوب می شود که احتمال ورود آن را به ایران از دوره صفویه از اروپای شرقی، هند و چین می دانند که بلافاصله رنگ و بویی بومی به خود گرفته است.

نقاشی پشت شیشه

نقاشی پشت شیشه یکی از تکنیک های تزیینی شیشه است که توانسته موزه ای را به نام خود ایجاد و اختصاص دهد. تصاویر در نقاشی پشت شیشه همچون سایر هنر های ایرانی از نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی، هندسی و کتیبه الهام گرفته است. نقاشی های به نمایش درآمده در این سبک شامل موضوعات گوناگون و در زمینه های مختلف است. تصاویر مربوط به انسان شامل تک چهره ها، شخصیت های مذهبی، درباری و تاریخی، تصاویری از عامه مردم در حالت های مختلف پرتره و شمایل نگاری شخصیت های مذهبی و تصاویری از شاعران و هنرمندان، درآویش و عامه مردم در حالت های مختلف از جمله نواختن موسیقی، خواندن کتاب و ورزش است.



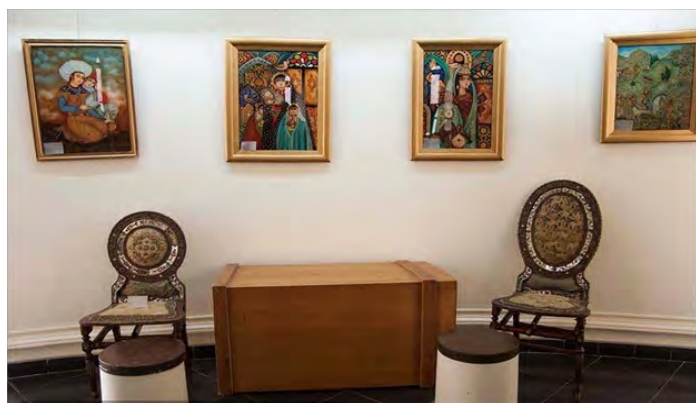


اغلب تصاویر به زنان اختصاص داده شده است و نوع طراحی دربرگیرنده شیوه هایی از نقاشی سبک قاجار و آثار مینیاتوری است. در بسیاری از نمونه ها تصاویر آزاد و در برخی دیگر شباهت زیادی با نقاشی قهوه خانه ای دارد. تصاویر هندسی نیز متشکل از قطعات بریده از شیشه های نقاشی شده است که دارای طرح های هندسی مشخص و مقطع اند و گاهی اوقات با قرار گرفتن در کنار هم شکل واحدی را عرضه می دارند

موضوعات این دسته از نقاشی ها بیشتر شامل تصاویر گل و مرغ، طرح های گل و گیاه همراه با حیواناتی نظیر پرند و ماهی و همچنین تصاویر شیراسب و بز می باشند. تصاویر بناها و منظره شامل شهرها دشت ها کله ها و مناظر درباری و شکار است. نوشته ها و خطوط قرآنی دسته ای دیگر از نقاشی های مورد نظر هستند که همراه با حاشیه ها و نقوش گیاهی و تصاویری از شخصیت های مذهبی و با انواع خطوط چون نستعلیق شکسته نسخ و ثلث در پشت شیشه ثبت شده اند. گروه نقاشی های مذهبی نیز در برگیرنده روایت ها وقایع داستان ها صحنه های جنگ و شخصیت های مذهبی از جمله امامان پیامبران پیشوایان مذهبی و درویش هستند

روش کار

شیوه کار در نقاشی پشت شیشه با نقاشی معمولی تفاوت دارد. هنر نقاشی پشت شیشه به جهت طراحی معکوس و اجرای سخت جز به کل بودن استفاده از رنگ های روشن و اکلیلی نیاز به مهارت در قدرت قلم و طراحی و ظرافت ویژه هنرمند دارد. عمده ترین تفاوت این نوع هنر با نقاشی های دیگر حذف لایه های آستر بستر و گاهی اوقات لایه بوم است. علاوه بر رنگ استفاده از مواد ترکیبی چون کاغذ های رنگی شبرنگ نخ الباف ابریشم و... به عنوان پرکننده زمینه و گاهی طرح اصلی در میان هنرمندان این شیوه متداول است نقاشی پشت آینه زیر مجموعه یا تکنیک دیگری از این سبک هنریست که با تراشیدن بخش های نقره ای یا جیوه ای آینه صورت میگیرد. رنگ مورد نظر را روی قسمت های تراشیده شده (شیشه) قرار میدهند. شیوه نقاشی در این تکنیک همانند نقاشی پشت شیشه است.



امروزه در کشور با تعداد قابل توجهی از آثار نقاشی پشت شیشه مواجه هستیم که بخشی از آنها در اختیار موزه نقاشی پشت شیشه، بخشی در اختیار مجموعه داران خصوصی و بخشی دیگر در عمارت ها و ساختمان های تاریخی به عنوان تزیینات وابسته به معماری قرار دارند. همچنین هنرمندان زیادی در نقاط مختلفی از کشور به صورت گمنام وجود دارند که در خلوت خود قلم میزنند؛ این موزه در نظر دارد تا ضمن معرفی و آشنا ساختن این هنر مهجور به اقشار مختلف جامعه، کانونی برای آشنایی هنرمندان با یکدیگر و ارتقای این هنر در سطح جهانی فراهم آورد. بدین منظور سلسله نشست هایی به صورت ماهانه جهت هم اندیشی هنرمندان این رشته هنری برگزار میگردد و نقطه نظرات آنان پس از بررسی و ارزیابی مورد توجه قرار میگیرد نشانی: تهران خیابان سعدی شمالی خیابان برادران قائدی بعد از تقاطع نور محمدی پلاک ۲۰۲ ساعت بازدید: شش ماه اول سال ۹۰-۱۹، شش ماه دوم سال ۸۰-۱۷

به بهانه دهمین سالگرد کانون

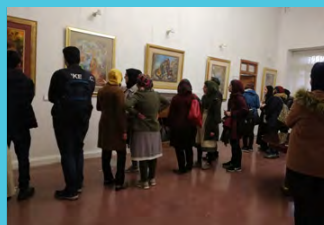
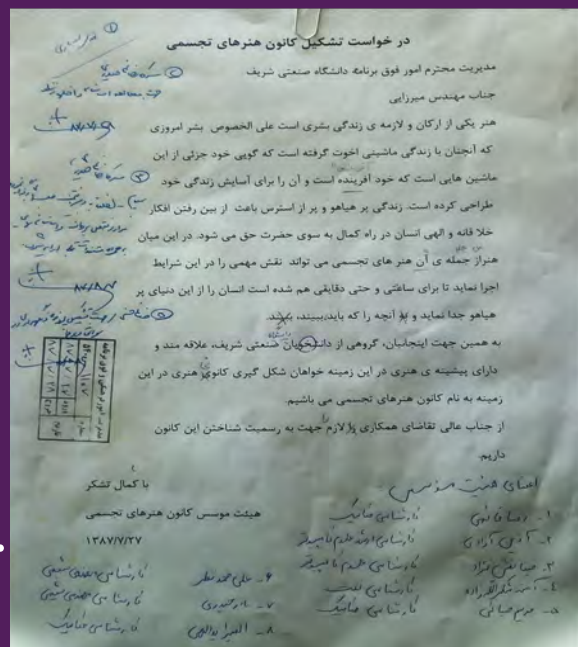
کانون هنرهای تجسمی از زمان تاسیس تا کنون

کانون هنرهای تجسمی در پاییز سال ۱۳۸۷ با درخواست تعدادی از دانشجویان که در صدر آنها رضا قائمی دانشجوی مهندسی مکانیک قرار داشت تاسیس شد و پاییز سال ۱۳۹۷ در حقیقت دهمین سالگرد تاسیس کانون می باشد.

از زمان تاسیس تا کنون رسالت کانون هنرهای تجسمی همواره بر اساس دو محور بنیادین زیر بوده است:

- ایجاد محیطی دوستانه و صمیمی در دفتر کانون برای هنرمندان شریفی تا بتوانند در اوقات فراغت خود، در دفتر کانون به فعالیت های هنری پرداخته و دوستان هنرمند بیشتری بیابند.

- گسترش فضای هنری در سطح دانشگاه از طریق برگزاری انواع کلاس های و ورکشاپ های هنری، فراخوان و نمایشگاه های هنری، اردو و بازدید از موزه ها و گالری های هنری، انتشار نشریه هنری و بسیاری فعالیت های دیگر



حوزه های هنری که در کانون هنرهای تجسمی فعالیت می کنند به شرح زیر می باشد:

نقاشی که شامل زمینه هایی از جمله طراحی، سیاه قلم، رنگ روغن، آبرنگ، تصویر سازی، ماندالا، تذهیب، مینیاتور و ... در سبک های رئال، سورئال و ابستراکت می باشد.

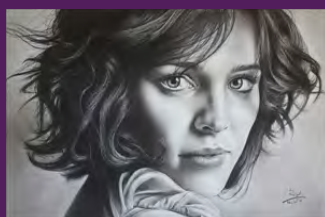
خوشنویسی که شامل زمینه هایی از جمله نستعلیق، شکسته نستعلیق، سفير، کرشمه، خط خودکاری و خط لاتین می باشد.

صنایع دستی که شامل زمینه هایی از جمله معرق، مشبک، منبت، سفال، سرامیک، قالی بافی و پلی استر می باشد.

هنرهای دیجیتال که شامل زمینه هایی از جمله نقاشی دیجیتال، طراحی پوستر و لوگو می باشد.



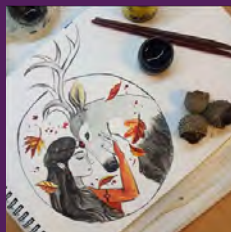
سبک های نقاشی



سیاه قلم



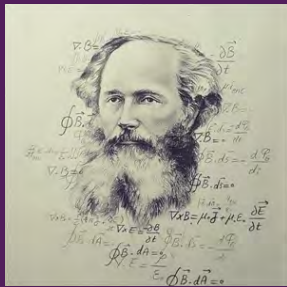
طراحی چهره با مداد رنگی



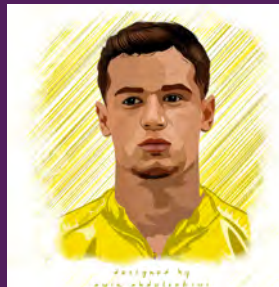
تصویر سازی با آبرنگ



ماندالا



طراحی با مداد



نقاشی دیجیتال



نقاشی با آبرنگ



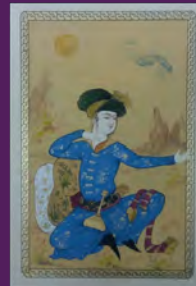
رنگ روغن



نقاشی مفهومی با آبرنگ



نقاشی ابسترکت (انتزاعی) با مداد رنگی



میناتور



تذهیب

سبک های خوشنویسی



نستعلیق



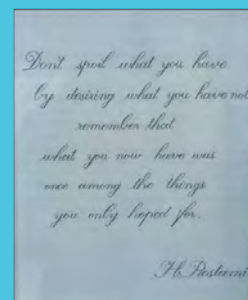
خط کرشمه



شکسته نستعلیق



خط سفیر

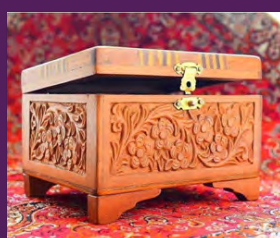


خط لاتین

صنایع دستی



معرق



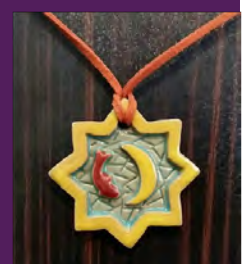
مبلت



کاشی شکسته

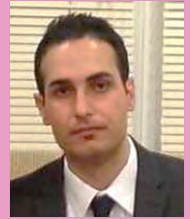


قالی بافی



گردنبند سفالی

در انتها به معرفی دبیرهای کانون هنرهای تجسمی و خلاصه‌ای از وضعیت گروه از زمان تاسیس تا کنون می‌پردازیم



سال تحصیلی ۸۸-۸۷

رضا قائمی، دانشجوی مهندسی مکانیک که در صدر متقاضیان تاسیس کانون در پاییز سال ۱۳۸۷ قرار داشت، در این سال به عنوان دبیر کانون انتخاب شده و کانون هنرهای تجسمی رسماً فعالیت خود را شروع و لوگوی خود را انتخاب می‌کند. بعد از شروع به کار رسمی کانون، اتفاقی در طبق اول ساختمان معاونت فرهنگی در کنار کانون عکس به کانون هنرهای تجسمی اختصاص می‌یابد. در این سال علاوه بر فعالیت‌های هنری اعضا در دفتر کانون، تنها برنامه رسمی برگزار شده از سمت کانون، نمایشگاه گروهی آثار هنری اعضای کانون در همکف ساختمان معاونت فرهنگی بوده است.



سال تحصیلی ۸۹-۸۸

در دومین سال تاسیس کانون هنرهای تجسمی، پریچهر کیانیان به عنوان دبیر کانون انتخاب شده و همچنان علاوه بر فعالیت هنری اعضا در دفتر کانون، تنها برنامه برگزار شده از سمت کانون، نمایشگاه گروهی آثار اعضای کانون در همکف ساختمان معاونت فرهنگی بوده است.



سال تحصیلی ۹۱-۹۰

شبیم نظری، دانشجوی مهندسی هوافضا، در این سال به عنوان دبیر انتخاب می‌شود. با تلاش‌های فراوان احسان نیک‌بین در سالهای ۸۹ و ۹۰ فضای کانون کمی فعال‌تر می‌شود و در این سال علاوه بر برگزاری نمایشگاه آثار هنری اعضای کانون در همکف ساختمان معاونت فرهنگی، غرفه معرفی فعالیت‌های کانون در همکف ساختمان ابن‌سینا نیز برگزار می‌شود. در این سال برای اولین بار به پیشنهاد احسان نیک‌بین بازدید از مجموعه تاریخی-هنری سعدآباد برگزار می‌شود.



سال تحصیلی ۹۲-۹۱

احسان نیک‌بین، دانشجوی رشته‌های مهندسی مکانیک و فیزیک، در این سال به عنوان دبیر انتخاب می‌شود. در این سال همچنان غرفه آشنایی با فعالیت‌های کانون در همکف ساختمان ابن‌سینا و نمایشگاه آثار هنری در همکف ساختمان معاونت فرهنگی برگزار می‌شود. با پیشنهاد احسان نیک‌بین قبل از برگزاری نمایشگاه، فراخوان کوچکی هم در سطح دانشگاه جهت ارسال آثار هنری علاقه‌مندان داده می‌شود و نمایشگاه کمی از جو منحصر به اعضای کانون بودن فاصله می‌گیرد. همچنین کانون هنرهای تجسمی در این سال دکور برنامه جشن عید نوروز را برعهده می‌گیرد. در این سال برای اولین بار به پیشنهاد حسین مطلبی، از خوشنویسان کانون، کلاسهای آموزشی خوشنویسی به صورت رایگان و آزمایشی از سمت کانون، توسط او برگزار می‌شود که شروعی بر برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های هنری کانون بوده است. همچنین در این سال برای اولین بار، به پیشنهاد حسین مطلبی، فعالیت‌های کانون وارد فضای مجازی شده و صفحه فیس‌بوک و خبرنامه گوگل راه‌اندازی می‌شوند. در این سال به دلیل انحلال کانون عکس، فعالیت‌های این کانون به عنوان زیرمجموعه‌ای از فعالیت‌های کانون هنرهای تجسمی قرار می‌گیرد.

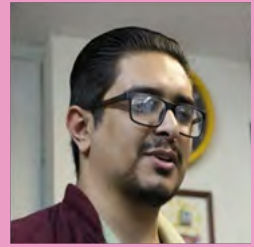
سال تحصیلی ۹۳-۹۲

زهره منتظری، دانشجوی مهندسی کامپیوتر، در این سال به عنوان دبیر انتخاب می‌شود. در این سال همچنان غرفه معرفی فعالیت‌های کانون در همکف ساختمان ابن‌سینا برگزار شده و به پیشنهاد زهره منتظری بخش نقاشی دیواری هم به این غرفه اضافه می‌شود. نمایشگاه آثار هنری نیز همچنان در همکف ساختمان معاونت فرهنگی برگزار می‌شود. در این سال برای دومین بار بازدید از مجموعه سعدآباد برای دانشجویان دانشگاه برگزار می‌شود که با استقبال زیادی مواجه می‌شود. در این سال کانون هنرهای تجسمی حضور فعالی در جشنواره ملی رویش که از سمت وزارت علوم در دانشگاه امیرکبیر برگزار شد، داشته است. همچنین در این سال با پیگیری‌های حسین مطلبی، علاوه بر کلاسهای خوشنویسی، کلاسهای آموزش طراحی و سیاه‌قلم هم توسط زهره منتظری برگزار می‌شود. اعضای کانون هنرهای تجسمی در این سال به پیشنهاد زهره منتظری در آماده‌سازی دکور سالن تربیت‌بدنی برای کنسرت موسیقی که از سمت کانون یاریگران برگزار می‌شد همکاری داشتند.



سال تحصیلی ۹۴-۹۳

حسین مطلبی، دانشجوی مهندسی برق و ریاضی محض، در این سال به عنوان دبیر انتخاب می‌شود. در این سال همچنان غرفه آشنایی با فعالیت‌های کانون در همکف ساختمان ابن‌سینا و نمایشگاه آثار هنری در همکف ساختمان معاونت فرهنگی برگزار می‌شود. با جذب اعضای جدیدتر از رشته‌های هنری متفاوت‌تر مانند مینت و تذهیب در این سال، کانون هنرهای تجسمی رنگ و بوی تازه‌ای می‌گیرد. در این سال فعالیت‌های مجازی کانون در فیسبوک رها شده ولی همزمان وارد وایبر شده و صفحه اینستاگرام کانون راه‌اندازی می‌شود. مهم‌ترین اتفاق این سال این بوده است که با تلاش حسین مطلبی، کلاس‌های هنری کانون از سمت معاونت فرهنگی به رسمیت شناخته می‌شوند و برگزاری کلاس و کارگاه در زمینه هنرهای تجسمی به کانون هنرهای تجسمی محول می‌شود. همچنین برای اولین بار به پیشنهاد رفیعه مصاحب علاوه بر کلاس‌های هنری، برگزاری ورکشاپ‌های هنری با برگزاری کارگاه یک روزه آموزش بافت دستبند کلید می‌خورد. در این سال پیشنهاد جداسازی فعالیت‌های کانون عکس و تبدیل دوباره آن به یک کانون مستقل از سمت حسین مطلبی مطرح می‌شود که با موافقت معاونت از سال بعد کانون عکس دوباره مستقلاً راه‌اندازی می‌شود. در این دوره برای اولین بار بازدیدهای دوره‌ای اعضای کانون از گالری‌های هنری سطح تهران مانند خانه هنرمندان، گالری آثار استاد بختیاری و خانه هنرمندان صورت گرفت.



سال تحصیلی ۹۵-۹۴

رفیعه مصاحب، دانشجوی ریاضی کاربردی، در این سال به عنوان دبیر انتخاب می‌شود. در این سال نیز با تلاش‌های رفیعه مصاحب تحولات و پیشرفت‌های چشمگیری در فعالیت‌های کانون شکل می‌گیرد: نمایشگاه آثار هنری کانون با پیشنهاد رفیعه مصاحب به یک فراخوان جامع در سطح دانشگاه به نام ((جام عقیق)) تبدیل می‌شود که با داوری و اهدای جوایز به آثار برگزیده همراه شد. ((گاهنامه هنری نقش خیال)) با پیشنهاد و پیگیری رفیعه مصاحب راه‌اندازی شده و اولین و دومین شماره آن چاپ می‌شود. کلاس‌ها و کارگاه‌های هنری کانون با تلاش‌های حسین مطلبی گسترده‌تر شده و به یکی از فعالیت‌های مطرح سطح دانشگاه تبدیل می‌شود. غرفه آشنایی با فعالیت‌های کانون نیز در همکف ساختمان معاونت فرهنگی برگزار می‌شود. بازدید از مجموعه سعدآباد این سال نیز برگزار می‌شود. فعالیت مجازی کانون در وایبر متوقف شده و وارد تلگرام می‌شود. همچنین در این سال لوگوی جدیدی به جای لوگوی قبلی کانون طراحی می‌شود. یکی از مهم‌ترین اتفاقات این دوره تخریب دفتر کانون برای ساخت اتاق کنفرانس در ساختمان معاونت فرهنگی بود که به تعلیق چندماهه فعالیت‌های کانون انجامید تا بالاخره بعد از تلاش‌ها و پیگیری‌های فراوان رفیعه مصاحب و حسین مطلبی، مکان فعلی به عنوان دفتر در اختیار کانون قرار گرفت.



سال تحصیلی ۹۶-۹۵

زهرا نوروزی، دانشجوی ریاضی کاربردی، در این سال به عنوان دبیر کانون انتخاب می‌شود. در این سال غرفه معرفی فعالیت‌های کانون در محوطه دانشگاه و مقابل دفتر جدید کانون برگزار می‌شود. فراخوان هنری جام عقیق نیز در این سال برگزار شد ولی به دلیل عدم هماهنگی‌های مناسب، گستردگی آن به خوبی سال گذشته آن نبود. شماره سوم از گاهنامه هنری نقش خیال نیز با پیگیری‌های رفیعه مصاحب در این سال منتشر شد. کلاس‌ها و کارگاه‌های هنری کانون نیز با پیگیری‌های حسین مطلبی همچنان روند رو به رشد خود را طی می‌کرد.



سال تحصیلی ۹۷-۹۶

مهسا یزدی‌فرد، دانشجوی مهندسی مواد، در این سال به عنوان دبیر کانون انتخاب می‌شود. در این سال غرفه معرفی فعالیت‌های کانون در محوطه دانشگاه برگزار می‌گردد. چهارمین شماره از گاهنامه هنری نقش خیال به سردبیری زهرا اکبری و مسئولیت رفیعه مصاحب به چاپ می‌رسد. در این سال با تلاش حسین مطلبی که از ابتدا، ورود کانون به فضای مجازی را رقم زده بود، فعالیت‌های فضای مجازی کانون رنگ و بوی تازه‌ای می‌گیرد و علاوه بر راه‌اندازی سایت کانون، دیگر کانال‌های ارتباطی از جمله صفحه اینستاگرام، کانال تلگرام و خبرنامه گوگل کانون رونق بیشتری پیدا می‌کنند. با راه‌اندازی وبسایت کانون، و ایجاد ثبت‌نام آنلاین برای کلاس‌ها و کارگاه‌های هنری کانون، این فعالیت‌ها بیش از پیش در سطح دانشگاه مطرح شده و مخاطبین فراوانی را جذب می‌کنند. همچنین با پیگیری‌های حسین مطلبی فراخوان هنری جام عقیق در این سال با گستردگی فراوانی برگزار شده و اسباب شناسایی تعداد زیادی از هنرمندان شریفی را فراهم می‌سازد.



سال تحصیلی ۹۸-۹۷

صبا دربندی، دانشجوی مهندسی شیمی، در امسال، که دهمین سال فعالیت کانون می‌باشد به عنوان دبیر کانون انتخاب شد. امسال غرفه آشنایی با فعالیت‌های کانون، سه بار، دو مرتبه در محوطه دانشگاه و یکبار در همکف ساختمان ابن‌سینا برگزار شد. در حال حاضر کانون هنرهای تجسمی علاوه بر چاپ پنجمین شماره از گاهنامه هنری نقش خیال به سردبیری امین عبدالرحیمی و مسئولیت مهسا حسینی و برگزاری چهارمین دوره از فراخوان هنری جام عقیق، از تابستان، کلاس‌ها و کارگاه‌های هنری در زمینه‌های مختلفی را برگزار کرده و این کلاس‌ها هر ترم با استقبال بیش از ۱۰۰ هنرجو از بین دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و کارمندان دانشگاه همراه بوده است. در این سال با همکاری فرناز فرشی، امیرحسین اکبری، امین عبدالرحیمی، محمود رشادتی و حسین مطلبی، لوگوی جدیدی بعد از چندین ماه بحث و بررسی برای کانون طراحی شد که امید است تا سالیان سال نشانگر این کانون در بین هنردوستان باقی بماند. همچنین بنا به ایده حسین مطلبی و با همکاری اعضای کانون طرح ایجاد قفسه آثار هنری و رنگ‌آمیزی پله‌ها در همکف ساختمان معاونت فرهنگی برگزار شد. بازدید از مجموعه سعدآباد که مخصوص دختران بوده امسال نیز برگزار شده است. بازدیدهای دوره‌ای اعضای کانون از گالری‌های هنری سطح تهران نیز همچنان ادامه دارد.



وقتی علم و هنر با هم آمیخته میشوند

مصاحبه ای با حمید نادری یگانه

نویسنده : زهرا اکبری دانشجوی کارشناسی مهندسی شیمی ورودی ۹۵

عرض سلام و خسته نباشید. مختصراً خودتان را معرفی کنید.

سلام. متشکرم. اسم من حمید نادری یگانه است. در حال حاضر دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ریاضی محض در دانشگاه صنعتی شریف هستم. چند سالی هست که علاوه بر تحصیل اقدام به استفاده از سبک جدیدی برای خلق آثار هنری با استفاده از مفاهیم ریاضی می نمایم.

نظر شما به طور عمومی درباره هنر چیست؟

به نظر من هنر ابزاری است برای بزرگنمایی زیبایی ها و یا پیام های سودمندی که برای انسان ها در زندگی روزمره کمتر قابل مشاهده هستند.

در چه شاخه ای از هنر فعالیت دارید؟

من تخصص هنری ندارم. فعالیت هنری من استفاده از ریاضیات برای خلق آثار هنری است. کارهایی که ایجاد می کنم بسیار وابسته به مفاهیم ریاضی هستند. فکر می کنم یک اصطلاح مناسب فارسی برای چنین سبکی "هنر ریاضیاتی" یا "هنر ریاضی" است. البته افراد دیگری نیز در نقاط مختلف دنیا هستند که در زمینه ی ارتباط بین ریاضی و هنر فعالیت دارند که هر کدام سبک خودشان را دارند ولی اصطلاح هنر ریاضیاتی را می توان در مورد آنها نیز به کار برد.

از چه زمانی به این زمینه علاقه مند شدید و احساس کردید باید آن را ادامه دهید؟

تقریباً از سال ۱۳۹۱ شروع به استفاده از توابع ریاضی برای تولید اشکال متقارن و زیبا کردم. بعد از چند سالی به این نکته پی بردم که از معادلات ریاضی می توان برای ایجاد طرح های هنری شبیه به اشکال واقعی همچون پرندگان، گیاهان و غیره استفاده نمود. از آن زمان تا کنون آثار هنری زیادی با استفاده از فرمول های ریاضی ایجاد و منتشر کرده ام که می توانید آنها را با جست و جو در اینترنت بیابید.

منون می شوم اگر راجع به

افتخارات هنری خود برای ما بگویید؟

تاکنون در فستیوال های هنری شرکت نکرده ام. البته برخی از کارهای هنری من در برخی از گالری ها در آمریکا به نمایش در آمده اند. در سال های اخیر آثار هنری من در وبسایت های مختلفی نظیر روزنامه

در پاسخ گفتم که هوش مصنوعی می تواند اثر هنری تولید کند ولی به هیچ وجه نمی تواند زیبایی آن را درک کند (چون کامپیوتر موجودی مطلقاً بی احساس است). در نهایت این کار هنرمند است که زیباترین اثر را انتخاب می کند. نظر من در رابطه با جایگاه علم در هنر این است که علم می تواند قابلیت ما را برای ایجاد کارهای هنری بالا می برد. اما این خود ما هستیم که تعیین می کنیم چه اثری زیباست یا چه اثری مفید است.

نظرتان نسبت به استعداد هنری بچه

های شریفی چیست؟

برخی اوقات در شبکه های اجتماعی کارهای هنری برخی دانشجویان دانشگاه شریف را دیده ام که بعضی از آنها از نظر من واقعات تحسین برانگیز بوده اند.

آیا شما با این دید عوام که بچه های

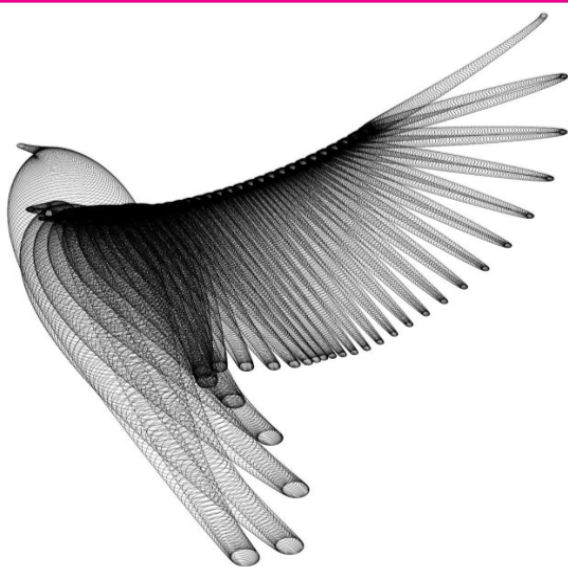
شریفی تک بعدی هستند موافقید؟

قطعاً موافق نیستم. اصولاً با نسبت دادن صفتی به یک گروه خاص مخالف هستم. در طول مدتی که در دانشگاه شریف مشغول به تحصیل هستم با دانشجویان خلاق زیادی آشنا شده ام.

اگر پیشنهاد یا توصیه ای به هنردوستان

دارید بفرمایید.

خودم را در این جایگاه نمی دانم که توصیه ای کنم. برای دانشجویان دانشگاه شریف و همچنین دیگر دانشگاه های کشور آرزوی موفقیت و سربلندی میکنم. تصاویر زیر برخی از آثار هنری من هستند.

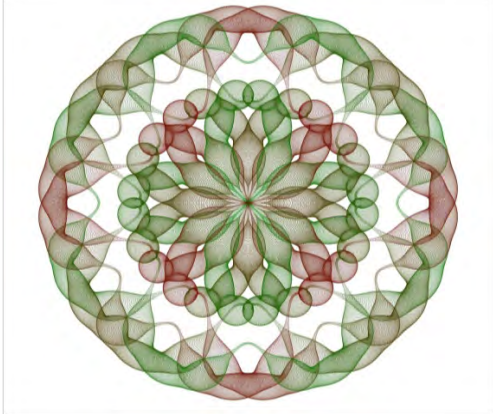


This image shows 10,000 circles. For $k = 1, 2, 3, \dots, 10000$, the center of the k -th circle is $(X(k), Y(k))$ and the radius of the k -th circle is $R(k)$, where

$$X(k) = \cos\left(\frac{14\pi k}{10000}\right) \left(1 - \frac{3}{4} \left(\sin\left(\frac{12\pi k}{10000}\right)\right)^4 - \frac{1}{4} \left(\cos\left(\frac{48\pi k}{10000}\right)\right)^4\right),$$

$$Y(k) = \sin\left(\frac{14\pi k}{10000}\right) \left(1 - \frac{3}{4} \left(\sin\left(\frac{12\pi k}{10000}\right)\right)^4 - \frac{1}{4} \left(\cos\left(\frac{48\pi k}{10000}\right)\right)^4\right),$$

$$R(k) = \frac{1}{200} + \frac{1}{15} \left(\sin\left(\frac{48\pi k}{10000}\right)\right)^6 + \frac{1}{15} \left(\sin\left(\frac{96\pi k}{10000}\right)\right)^6.$$

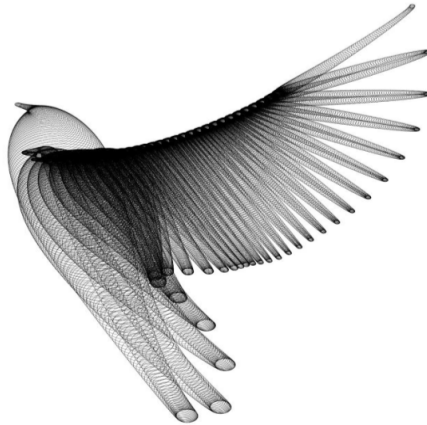


This image shows 40,000 circles. For $k = 1, 2, 3, \dots, 40000$, the center of the k -th circle is $(X(k), Y(k))$ and the radius of the k -th circle is $R(k)$, where

$$X(k) = \frac{1}{2} \left(\cos\left(\frac{141\pi k}{40000}\right)^9 \left(1 - \frac{1}{2} \sin\left(\frac{\pi k}{40000}\right)\right) \left(1 - \frac{1}{4} \left(\cos\left(\frac{2\pi k}{40000}\right)\right)^{30} \left(1 + \left(\cos\left(\frac{272\pi k}{40000}\right)\right)^{30}\right)\right) \right. \\ \left. \times \left(1 - \frac{1}{2} \left(\sin\left(\frac{2\pi k}{40000}\right)\right)^{80} \left(\sin\left(\frac{6\pi k}{40000}\right)\right)^{10} \left(\frac{1}{2} + \frac{1}{2} \left(\sin\left(\frac{18\pi k}{40000}\right)\right)^{20}\right)\right) \right),$$

$$Y(k) = \cos\left(\frac{2\pi k}{40000}\right) \left(\cos\left(\frac{141\pi k}{40000}\right)\right)^2 \left(1 + \frac{1}{4} \left(\cos\left(\frac{\pi k}{40000}\right) \cos\left(\frac{3\pi k}{40000}\right) \cos\left(\frac{21\pi k}{40000}\right)\right)^{24}\right),$$

$$R(k) = \frac{1}{40} \left(\left(\cos\left(\frac{141\pi k}{40000}\right)\right)^{14} + \left(\sin\left(\frac{141\pi k}{40000}\right)\right)^9 \right) \left(1 - \left(\cos\left(\frac{\pi k}{40000}\right) \cos\left(\frac{3\pi k}{40000}\right) \cos\left(\frac{21\pi k}{40000}\right)\right)^{16}\right) \\ + \frac{1}{150}.$$

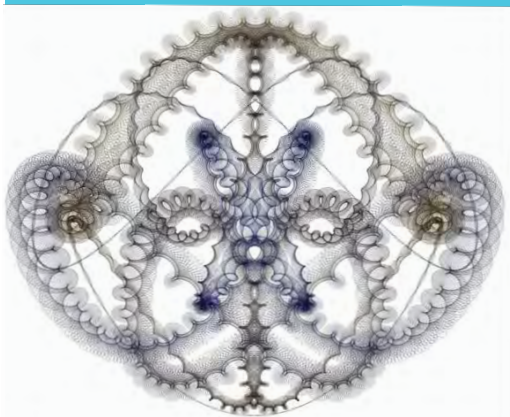


This image shows 9,830 circles. For $k = 1, 2, 3, \dots, 9830$, the center of the k -th circle is $(X(k), Y(k))$ and the radius of the k -th circle is $R(k)$, where

$$X(k) = \left(\sin\left(\frac{\pi k}{20000}\right)\right)^{12} \left(\frac{1}{2} \left(\cos\left(\frac{31\pi k}{10000}\right)\right)^{16} \sin\left(\frac{6\pi k}{10000}\right) + \frac{1}{6} \left(\sin\left(\frac{31\pi k}{10000}\right)\right)^{20}\right) \\ + \frac{3k}{20000} + \left(\cos\left(\frac{31\pi k}{10000}\right)\right)^6 \sin\left(\frac{\pi}{2} \left(\frac{k-10000}{10000}\right)^7 - \frac{\pi}{5}\right),$$

$$Y(k) = -\frac{9}{4} \left(\cos\left(\frac{31\pi k}{10000}\right)\right)^6 \cos\left(\frac{\pi}{2} \left(\frac{k-10000}{10000}\right)^7 - \frac{\pi}{5}\right) \left(\frac{3}{2} + \left(\sin\left(\frac{\pi k}{20000}\right) \sin\left(\frac{3\pi k}{20000}\right)\right)^6\right) \\ + \frac{3}{4} \left(\cos\left(3\pi \frac{k-10000}{10000}\right)\right)^{10} \left(\cos\left(9\pi \frac{k-10000}{10000}\right)\right)^{10} \left(\cos\left(36\pi \frac{k-10000}{10000}\right)\right)^{14} \\ + \frac{7}{10} \left(\frac{k-10000}{10000}\right)^2,$$

$$R(k) = \left(\sin\left(\frac{\pi k}{20000}\right)\right)^{10} \left(\frac{1}{4} \left(\cos\left(\frac{31\pi k}{10000} + \frac{25\pi}{32}\right)\right)^{20} + \frac{1}{20} \left(\cos\left(\frac{31\pi k}{10000}\right)\right)^2\right) \\ + \frac{1}{30} \left(\frac{3}{2} - \left(\cos\left(\frac{62\pi k}{10000}\right)\right)^2\right).$$



This image shows 9,000 ellipses. For $k = 1, 2, 3, \dots, 9000$, the foci of the k -th ellipse are

$$A(k) + iB(k) + C(k)e^{\frac{220\pi i k}{9000}},$$

and

$$A(k) + iB(k) - C(k)e^{\frac{220\pi i k}{9000}},$$

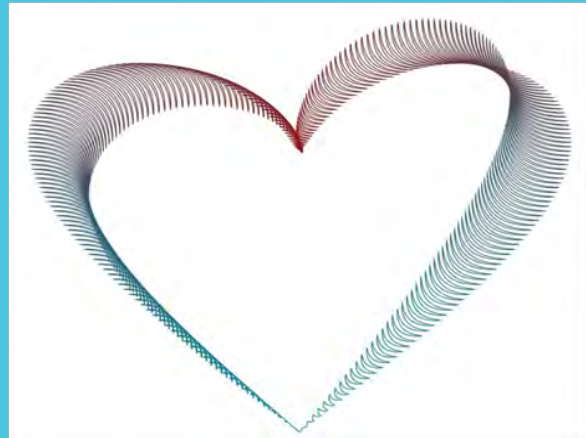
and the eccentricity of the k -th ellipse is $D(k)$, where

$$A(k) = \sin\left(\frac{13\pi k}{9000}\right) \cos\left(\frac{6\pi k}{9000}\right),$$

$$B(k) = \cos\left(\frac{16\pi k}{9000}\right) \cos\left(\frac{14\pi k}{9000}\right),$$

$$C(k) = \frac{1}{200} + \frac{1}{20} + \frac{1}{20} \cos\left(\frac{6\pi k}{9000}\right),$$

$$D(k) = \frac{399}{400} - \frac{1}{7} \left(\sin\left(\frac{14\pi k}{9000}\right)\right)^{10}.$$



$$X(t) = \frac{4}{9} \sin(2t) + \frac{1}{3} (\sin(t))^8 \cos(3t) + \frac{1}{8} \sin(2t) (\cos(247t))^4,$$

$$Y(t) = \sin(t) + \frac{1}{3} (\sin(t))^8 \sin(3t) + \frac{1}{8} \sin(2t) (\sin(247t))^4,$$

$$0 \leq t \leq \pi.$$



معرفی هنر

طراحی شخصیت

نویسنده: محمد مبارکی دانشجوی کارشناسی مهندسی برق ورودی ۹۴

طراحی شخصیت همانطور که از اسمش پیداست به شاخه ای از هنر گفته می شود که در آن هنرمند ابتدا در ذهن خود به خلق یک شخصیت می پردازد سپس ظاهر و احساسات آن شخصیت را در قالب نقاشی یا با استفاده از نرم افزارهای مخصوص و بطور سه بعدی به تصویر می کشد. البته ناگفته نماند بیشتر شخصیت پردازی هایی که بصورت سه بعدی صورت میگیرند و برای مثال در انیمیشن ها دیده می شوند ابتدا بصورت دو بعدی از زوایای مختلف طراحی می شوند و ممکن است پس از آن مجسمه ای نیز از آن ساخته شود و سپس مدل سه بعدی آن در فضای دیجیتال ساخته می شود. برای طراحی شخصیت باید به نکاتی توجه کرد که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره شده است.



در ابتدای خلق یک شخصیت باید در نظر بگیرید که کاراکتری که می خواهید طراحی کنید انسان است یا حیوان سپس در نظر بگیرید که این شخصیت در چه فضا و زمانی زندگی میکند، در کل دوست دارید با دیدن این کاراکتر بیننده چه حسی پیدا کند. برای مثال شخصیتی که خلق می کنید می تواند یک دزد دریایی، یک cowboy، یا یک پیرزن آرام و حیوان خانگی اش باشد.



به کاراکتری که طراحی می کنید شخصیت بدهید از جمله عناصر مهم طراحی شخصیت، چهره و به ویژه حالت صورت است که می تواند ویژگی های شخصیتی فرد را بازتاب دهد. ظاهر و لباس نیز تا حدودی به این امر کمک می کند البته اگر شخصیت خلق شده بنا باشد در کتاب های کامیک یا در انیمیشن به زندگی بپردازد، می توان خصوصیات اخلاقی او را در دیالوگ ها و اعمال او نیز گنجاند ولی بطور کلی برای پیدا کردن یک دید کلی از کاراکتر در یک تصویر، در نظر گرفتن حالت چهره که بیشتر شامل حالت چشم ها، ابروها و لب ها است که به سرعت احساسات شخص را به بیننده منتقل می کند. برای مثال در بعضی انیمیشن ها برای اینکه شخصیت های حیوانی مثلا اسب یا سگ بتوانند احساسات خود را به بیننده منتقل کنند، طراحان آنها برای نشان ابرو کشیده اند در حالیکه بطور طبیعی حیوانات ابرو ندارند.



داستان پردازی کنید

سعی کنید برای کاراکترتان یک داستان پس زمینه در نظر بگیرید و همینطور می توانید قدم بعدی شخصیت و هدف او را نیز در نظر بگیرید. این کار باعث می شود محیط اطراف شخصیت و فضایی که خلق می کنید با کاراکتر سازگاری بیشتری داشته باشد.



byron howard از طراحان شرکت والت دیزنی و کارگردان انیمیشن zootopia

Cory loftis از طراحان شرکت والت دیزنی

از کارهای دیگران ایده بگیرید شما می توانید با جست و جو در اینترنت و مشاهده کار هنرمندان مختلف و سبک های کاریشان بخوبی از ایده های آنها الهام بگیرید. همچنین مواردی پیش می آید که نیازمند تحقیق هستند برای مثال حالات و فرم بدن به ویژه در حیوانات به سادگی قابل طراحی و پیاده سازی نیستند. در زمینه مربوطه با استفاده از مشاهده عکسها یا آثار سایر هنرمندان بهتر می توانید به خلق اثر خود بپردازید به نظر من برای الهام گرفتن می توانید به کارهای هنرمندانی که در ادامه نامشان آورده شده است نگاهی بیاندازید.



اینستاگرام
@phobso_phobs



Cameron mark

از نقاشی تا به زندگی

«تو آنچه را که می بینی نمیکشی»

این همان جمله ایست که استاد، اول بار بعد دیدن نقاشی ام گفته بود.

جلسه ی اول: یک کوزه کوچک خواهان کشیده شدن، چشمان، دستان، مدادی بی تجربه و استادی برای بودن. نشسته بودم و فکر می کردم به اینکه چه باید کرد با این خط ها و سکوتشان با من. این که چرا هر چقدر که تلاش میکنم چیزی را که می بینم روی کاغذ تکرار کنم، باز چیزی بی نهایت از شکل واقعیش دوری میکند. انگاری که تمامی اندازه ها، انحنای ها، سایه ها و هر آنچه فکر میکردم یک کوزه را کوزه میکند با من قهر کرده باشند و نخواهند که بفهمند چرا آن ها را مجبور به سخن گفتن با خودم می کنم. (شبیه همین سکوت در رابطه هایمان که دوست داریم بدون کلامی در باب خومان ما را بفهمند).

شاید آنها زیباییشان را و امدا را همین سکوت بودند، که میداند؟

شاید بشود دلیل همه ی دوست داشتن ها را به یک لحظه بازگرداند، به یک حس ابتدایی. به قول دوستی پیامی که آغاز با خود حمل میکند، می تواند تمام توشه ای باشد که برای ادامه نیاز داریم. اما آنچه چشمه ی آن حس ابتدایی و رود دوست داشتن را از سکون و آرامی رها کند، آنچه کلاف در هم پیچیده ی یک لحظه را می کشاند تا به ابد، میتواند همان تک جمله ای باشد که از زیبایی احساسی با دلمان میگوئیم و تکرار میکنیمش تا جاری بودن آن را باور کنیم.

جمله ای که جرأت پرسش از دلیل سکوت ما با خودمان را داشته باشد.

جمله ای که اگر از ترسی ناآگاه از رها شدن و وجود احساسی ناب در وجودمان حرف میزد؛ همانقدر که میترسد، بخواهد که دوست بدارد. جمله ای شبیه به "نیازی هست به لمس زیبایی، به آفریدن آن".

چه میشد اگر دوست داشتن هم به مانند نقاشی کشیدنی بود؟

درست به مانند نقاشی استاد، ابتدا با مدادی کم رنگ طرح اولیه ی دوست داشتن را می ریختیم و حواسمان بود جایی را آنقدر پر رنگ نکنیم که پاک کردنش کاغذ دلمان را سیاه کند بعد خوب به او نگاه میکردیم، به او که بیش از هر چیز خود او بود و در پی هر تصویری ما را نگاهی دوباره چه کنیم تا او تصویرمان را بسازد و نه تصور ما او را؟ باورهای گذشته مان در باب زیبایی و آنچه از وجود آن خبر میدهد آنچنان در ما رسوخ کرده اند که دیدن زیبایی به گونه ای غیر از شکل سنتی شان را غیر ممکن میکنند. قدم اول باور امکان وجود زیبایی به شکل دیگریست؛ باوری که جز با تجربه کردن این امکان بدست نمی آید مثلاً اگر چیزی را نمی توانستیم بکشیم یا نمی فهمیدیم که چگونه زیبا تواند بود، با تصورمان پرش نمی کردیم، با او حرف میزدیم (به زیبایی او باز میگشتیم) شاید چیزی درون اوست که تا به حال تجربه اش نکرده ایم، میگشتیم به دنبال جایی که نخواستیم باور کنیم وجود دارد برآستی این یافتن نیست که زیبایی را زیبا می کند؟ اینکه ما و دقیقاً ما کاشف آن بوده ایم؟

در باب تمرین کردن

وقتی با ما در باره ی اشتباهات گذشته ی مان سخن میگویند، دلگیر میشویم، چرا که فکر میکنیم اشتباهاتمان را فهمیده ایم و این کافیهست برای تکرار نکردنشان. اصلاً به این خاطر سراغ راه هایی که اشتباه پذیرند نمی رویم تا تکرار نکنیم اما یگانه جایی که از اشتباه کردن خود شاد میشویم آن جایست که دلمان تصویری را به بی نقص ترین شکل ممکنش می خواهد و هر بار اشتباه، ما را از قسمتی از نقص کارمان آگاه میکند و ما را به ساخت آن تصویر نزدیک تر.

تجربه: سایه ها و پوست

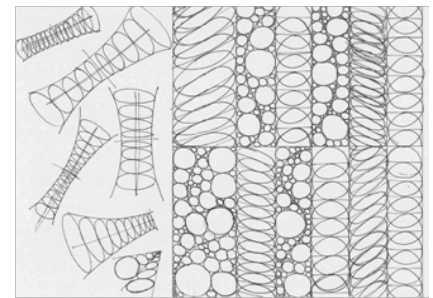
من در ساختن سایه ها خوب نبودم. کارم مدام با آزمون و خطا پیش میرفت.



جامعه ای که حتی روایت های شخصی دوستانم از اوضاع و احوالشان را شبیه به هم میکند- جایی که جواب چطور هستی همیشه ممنون است!، و ذهنی که شباهت حرف ها را بیش از حد برای ساختن مدل هایش جدی میگیرد آری، همانطور که یک سری کمان تمام شکل یک کوزه نیست، زبان آدم ها هم گویای تمام وجودشان نیست. شاید آدم ها بیشتر آن حرف هایی باشند که نمی زنند؛ مثلاً همان نگاه آشنایی که التماس فهمیده شدن دارد یا همان ناتمام گذاشتن یا تغییر حرفی در میانه، همان حرفی که ابتدا پرشور شروع شده بود! میدانی به مانند کوزه، آدمها هم با ما حرف میزنند، چرا که ما از آنها خواسته ایم آنگونه که در تصورمان دوست ترشان میداریم؛ حرف بزنند.

در باب دوست داشتن و زیبایی

تا تو مصور شدی در دل یکنای من جای تصور نماد دیگرم اندر ضمیر در دوست داشتن، اول بار که به زیبارویی نگاه میکنیم شاید زیبایی او تنها یک شباهت باشد به تصور ما از زیبایی. قدم جلو میگذاریم تا به اطمینان خودمان به این شباهت ببالیم درست به مانند چیزی که از کوزه میخواستیم، از دیگری میخواستیم زیبا باشد؛ زیبا به مانند تصور ما، چیزی غیر از آنچه هست و این او را، و بعد از مدتی تصور ما را، در سکوتی فرو خواهد



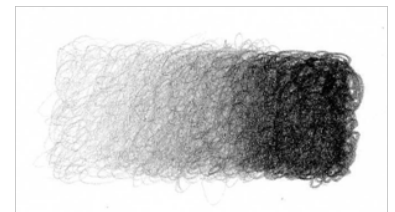
شبی وصال سحرگه ز بخت خواسته ام که با تو شرح سرانجام خود کنم آغاز

نیازی بود و نوری در آن انتها پیدا پس آغاز کردم تمرین های اولیه کشیدن خط های صاف دایره هایی به اندازه به اندازه ی کافی دایره برای مردمک چشم ها، بیضی ها برای شکل کلی چشم ها و لب ها در این میان تکرار «تو آنچه را که می بینی نمیکشی» تمام آن چیزی بود که برای بیشتر یاد گرفتن به آن نیاز داشتم سعی میکردم اما نمیشد، شبیه نمیشد درون ذهنم تکرار میشد: آنچه با چشمانم می بینم... با دستانم میکشیم... بین این دو دنبال کسی بودم که به این شباهت لطمه میزد پیدایش کرده بودم: "من". این او بود که در میان چشم ها و دست ها قرار گرفته بود.

تصور من

«این من آنچه فکر میکرد باید باشد را به جای آنچه بود می کشید» یک سری کمان، تمام شکل یک کوزه نیست. تفاوتی که با تصور ساده شده ی ما میکند؛ یک نقاشی کوزه را کوزه میکند شاید اصلاً دل کوزه از اینکه با او از تصورمان از او حرف میزنیم تا خود او از ما گرفته باشد و برای همین باشد که با ما حرفی نمی زند. آن قدم های اولیه همیشه خوب بودند؛ اما از جایی به بعد را دیگر انگاری که به کوزه نگاه نمی کردم و خودم کاملش میکردم و در نهایت شاکلی از اینکه چرا هیچ شباهتی نیست

مدام مدادی که سایه ها را بیش از اندازه سیاه میکرد و پاک کنی در پی اش تا سیاهی را به چرک آلوده کند ... برای یادگرفتن فشاری کافی برای سیاهی ای که لازم داشتم ، باید تا مدت ها تمرین می کردم از سفیدی کاغذ تا به انتهای سیاهی غلیظ ترین مداد ها نمیشد. وقتی میخواستم سایه ای را به یک باره از سفیدی کاغذ به سیاهی مورد نیازم برسانم ، همه چیز یکنواخت و زمخت میشد مدت ها گذشت تا یاد گرفتم همه سایه ها از لایه ها ساخته میشوند. ابتدا همه ی سطوح را با سیاهی ای کمتر از آنچه لازم است هاشور میزنم ، بعد از محو کن استفاده میکنم تا لایه ای را تثبیت کنم تا بتوانم خوب به میزان رنگی که ایجاد کرده ام نگاه می کنم . با تمرین های قبلی ام می دانم لایه ی بعدی چیست و در ادامه چه قدر سیاهی لازم است . ادامه میدهم تا آنجا که کاغذ رنگی را که میخواهم به من بدهد لایه لایه قرار دادن رنگ ها ، تحمل شک کردن در مورد زیاده یا کم رنگ ریختن ، اینکه نمیشود قبل از پا گذاشتن در مسیر ، هدف را فهمید؛ صبری بود که ممکن میکرد قدم های پیش رفتن خود را بینم.



تجربه : دفتر نقاشی

اولین نقاشی هایم را در برگه های آ ۴ میکشیدم که شامل همین کوزه و خط خطی های دیگر بود. پس از مدتی دوستی دفتری به من هدیه کرد که آنقدر زیبا بود که میترسیدم درون آن نقاشی کنم و میخواستم آن را برای زمانی که خوب نقاشی را یادگرفتم استفاده کنم . اما او از من خواست برای دیدن بهتر شدنم نقاشی ها را کنار هم و درون دفتر تمرین کنم در چند ماه بعد هر وقت که تردید راهش را به دلم باز میکرد و یا هر وقت که دوست داشتم ببینم کجای مسیر ایستاده ام، نقاشی هایم و سیر پیشرفتی را که دنبال کرده بودم را نگاه میکردم و این بهتر شدن ، بهتر شدنی در آینده را اطمینان میداد دریافت من از این حس خوب این بود که بیشتر از آنچه به نتایج فکر میکنم باید به دیدن بهتر شدنم فکر کنم و بیشتر از دیدن راه مانده این راه رفته است که نیازمند دیدنش هستم قبل از این، من همین ایمان به بهتر شدن را درون خود کم می یافتم که ترجیح میدادم به جای جنگیدن با ضعف هایم، آن ها را انکار کنم ، انکار که جنگیدن با آن ها بیشتر از آنکه از قوی تر شدن من صحبت کنند از وجود آن ضعف حرف میزنند.

در باب او میکشد قلاب را

کودک که بودم تمام دریافتم از زندگی بازی بود و از طریق آن یاد میگرفتم. در کودکی فکر میکنم همیشه چیزی در بیرون ما را به سمت خودش میخواند ، دنبلمان می کند تا بدستمان آورد و همیشه میشود با فرار کردن از او ، او را به دنبال خود کشاند (بچه ها را دیده ای که از دستت فرار میکنند و در ساده ترین جا پنهان میشوند و لحظه ای که به آن ها میرسی و در آغوششان میکشی ، غرق شادی میشوند؟ آن ها از تو فرار

نمیکند، می روند جایی که تو پیدایشان کنی)، بزرگ تر که میشویم اما دیگر کسی به دنبلمان نمیکند و دیگر حتی اگر کم شویم صدایی ما را به سمت خودش نمی خواند . در حال فرار کردن به پشت خود که نگاه میکنیم ، خود را تنها در میابیم و اینگونه میشود که از دویدنهان گاهی نا امید میشویم چون دیگر قرار نیست زمانی باشد که به مانند کودکی پدایمان کنند و در آغوشمان بکشند دیگر تنها صدا ، پژواک صدای خودمان است که سخت است باور کنیم شکی در خواستن او نیست و یا حتی میتواند پدایمان کند در هنر و هر آنچه آفریده میشود به دست ما اما، وقتی قصد میکنیم به کشیدن و یا بیان احساسی در درونمان، دیگر میشویم آن کسی که می خواهد پیدا کند ، بیان کند و فریاد بزند که چه میخواهد دیگر اینجا منتظر قصد دیگری نمی مانیم؛ چرا که تصویر زیبایی از انتهای کار داریم که ما را به سوی خود می کشاند من چند گفتم های دل، خاموش از این سودای دل سودش ندارد های من چون بشنود دل هوی او

در باب ساخت زیبایی

شاید قسمت زیادی از زیبایی مهربویان از آن روست که نمیتوانیم کاهش دهیم زیبایشان را به چند توصیف، که به عنوان مثال زیبایی به دلیل بلندای پلک ها ، سیه چشمان و چین زلف هایشان همیشه چیزی برای توصیف باقی می ماند شرح شکن زلف خم اندر خم جانان کوتاه نتوان کرد که این قصه دراز است اما در نقاشی تجربه ی لحظه ایست که همه ی جزئیات محو میشوند و از تمامیت زیبایی چشمی اطمینان می یابی ؛ میفهمی این حرکتی که صورت را داده ای به سمت زیبایی حالا تصور را با آن هماهنگ کرده و اگر آنقدر زنده باشی که شباهتی باشد میان چشمی که میخواستی بکشی و آنچه کشیده شده ، بر زیبایی او چیزی از خودت افزوده ای نگاه کن مثلاً این روز ها شاید ناتمامی گل های دل انگیز زیبا، به مانند هم ، این پیام را داشته باشد که زیبایی بیرون از، ما زاده میشود پرورش میابد و نام میپذیرد در این جهان گل های زیبای زیادی را میبینی بی آنکه در زیبا بودنشان کمترین نقشی داشته باشی و به این خاطر شرم میکنی از نزدیک شدن به آن ها انکار حسی که از دیدن زیبارویان داری را از جایی که برای تو نبوده است دزدیده ای اما اگر بدر گلی را در لابه لای خاک گلدانی بکاری ، نور و آبی باشی که او تغذیه میکند، لحظه ها را به پای زیبا شدنش بشماری آن گل تکه ای از تنهایی تو میشود و تو نیز بخشی از زیبایی گل.

شازده کوچولو گل خود را در میان تمامی، گل نام ها ، اینگونه می بیند "شما زیباییید

ولی جز زیبایی هیچ ندارید. کسی برای شما نمی میرد. البته گل هم مرا رهگذر عادی شبیه شما می بیند. ولی او یک تنه از همه ی شما سر است، چون من فقط او را آب داده ام، چون فقط او را زیر حباب گذاشته ام، چون فقط برای خاطر او کرم هایش را کشته ام (جز دو سه کرم برای پروانه شدن)، چون فقط به کله گزاری او یا به خودستایی او یا گاهی هم به قهر و سکوت او گوش داده ام. چون او گل من است

تو دیدی هیچ عاشق را که سیری بود از این سودا تو دیدی هیچ ماهی را که او شد سیر از این دریا تو دیدی هیچ نقشی را که از نقاش بگریزد تو دیدی هیچ وامق را که عذرا خواهد از عذرا

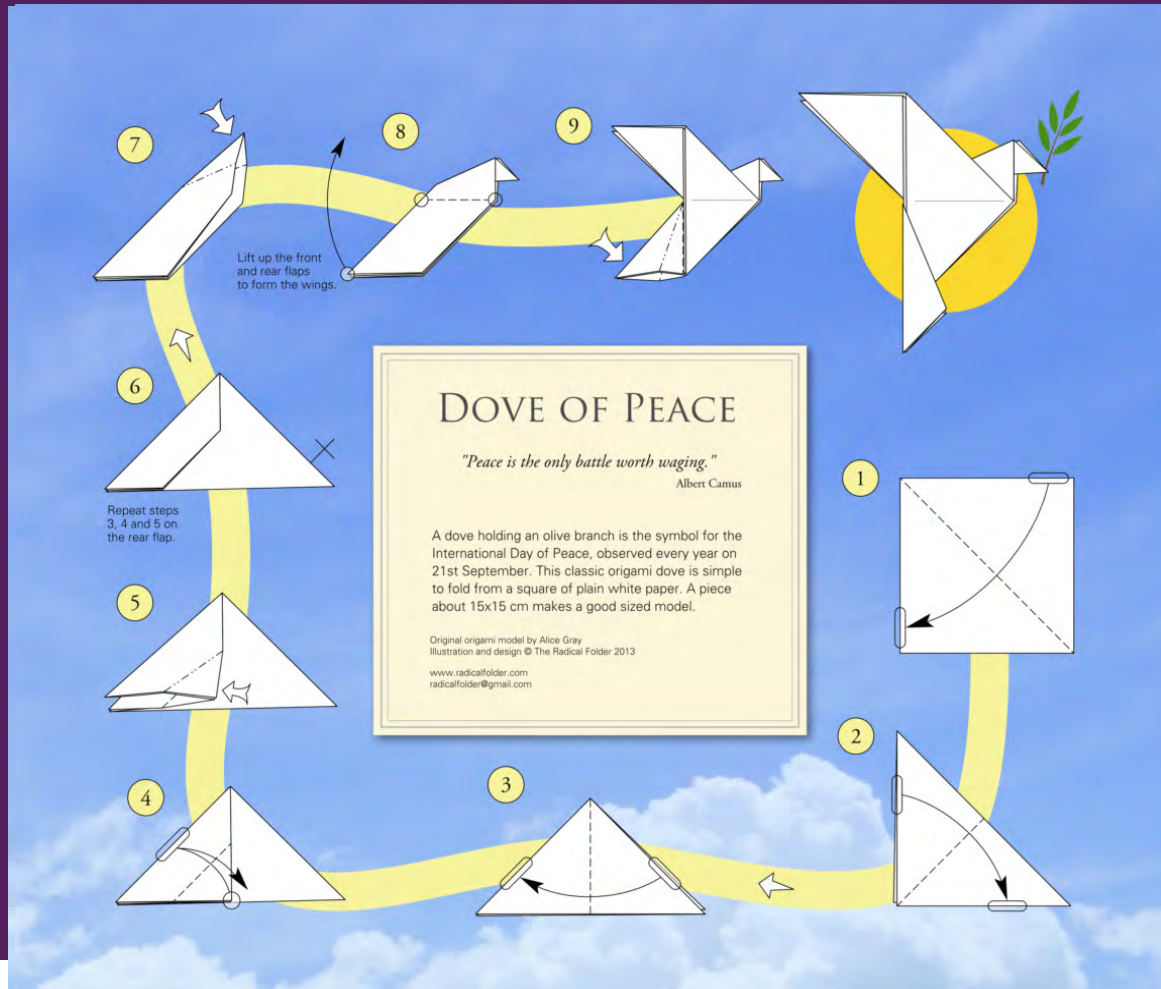
نقاشی بیش از هر چیز به من خواستن را یاد داد آشنایی میگفت اگر تنها یک بار برای چیزی به مدتی طولانی تلاش کنیم و برای به دست آوردنش انتظاری امیدوارانه بکشیم ، درست پس از همان اولین موفقیت در چنین رسیدنی ، از آن پس هم خواستن های دیگر ساده خواهند شد و هم رسیدن به نقاشی ات نگاه میکنی ، به نگاهی که از ابتدا میخواستی از چیزی درباره ی او حرف بزنی ، چیزی که نه به زبانت می آمد و نه میتوانستی تاب آوری از او سخن نداشتن را. حال او در کامل ترین شکلی که میخواستی روبروی توست با خود فکر میکنی حالا که تو جزیی از این زیبایی هستی و ودیعتی از زیبایی او در دل داری به تو این اجازه را میدهد با او بیشتر از آنچه تا به حال با خودت حرف میزدی ای، زبان بگشایی. از سخن گفتن با ضعف هایت میترسیدی ، چرا که صد ها بار ایستادن و شکست خوردن همیشگی اطمینان میداد که حل ناپذیرند حالا اما دیگری ای در تو می زید که تنها از این رو تو را میشناسد که تو توانسته ای زیبایییش را بشناسی، اویی که هیچ یک از ضعف هایت را نمیشناسد . او همیشه شک دارد به این اطمینان تو از حل ناپذیری ضعف ها حالات تو در زیبایی ای زیست میکنی که ضعف را چیزی خارج از خود می بیند و نمی هراسد از دیدن آن.

شروع کن به کشیدن و عاشق همین شروع کردنت باش.



اورینگامی

نویسنده : میترا عرب دانشجوی کارشناسی مهندسی برق ورودی ۹۴



مطابق شکل دو مجدداً از روی قطر دیگر مربع کاغذ را تا کنید

۲

کاغذ را از روی قطر تا کنید

۱

در محل نقطه چین یک خط تا ایجاد کنید

۴

یکی از مثلث های ایجاد شده را از وسط تا کنید

۳

همین مراحل را برای سمت دیگر تکرار میکنیم تا شکل ۷ حاصل شود

۶

از راس مشخص شده در شکل ۴ کاغذ را به سمت داخل تا بزنید

۵

راس مشخص شده را به سمت بالا تا بزنید تا بال ایجاد شود سپس برای سمت دیگر تکرار کنید

۸

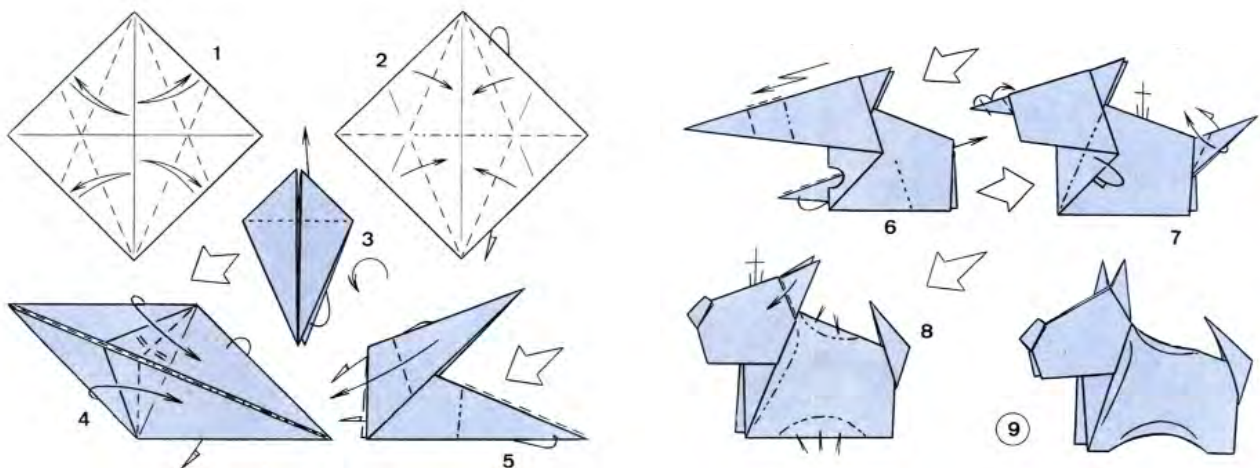
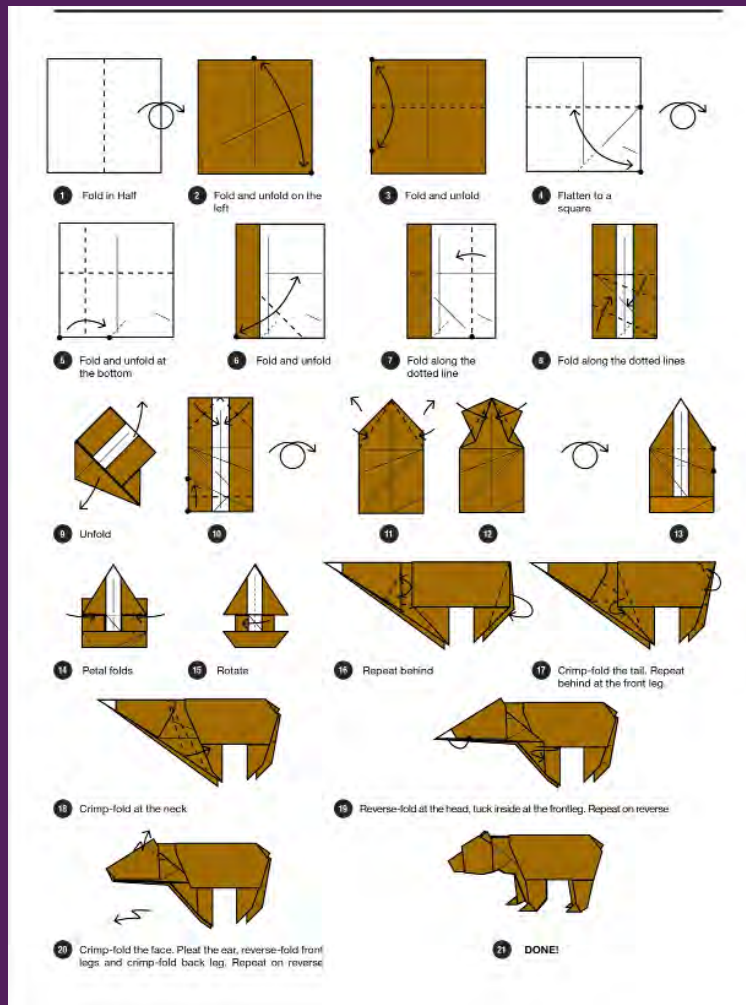
در محل نقطه چین به سمت داخل تا بزنید تا سر ایجاد شود. دقت کنید که محل نقطه چین اطراف مرکز مربع اولیه واقع شده است

۷

از محل نقطه چین آخرین راس باقیمانده را به سمت طرفین بدن پرانده تا بزنید

۹

طرح های این صفحه را با کمک دستور العمل آن ها بسازید و با ارائه آن به دفتر کانون هنر های تجسمی از جوایز ارزنده برخوردار شوید.



کافه هنر

نویسنده : مهسا حسینی دانشجوی کارشناسی شیمی محض ورودی ۹۴

وقتی بازیگران سریال game of thrones با کاغذ درست میشوند!

تصاویر کاغذی بازیگران مشهور سریال بازی تاج و تخت

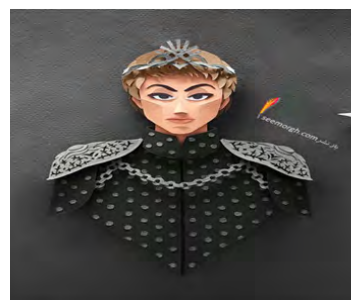
تصویرهای سه بعدی بازیگران این سریال با چندین کاغذ درست شده اند. هنرمند این تصاویر سه بعدی Robbin Gregorio است. او با کاتر مخصوص برش کاغذ، کاغذها را با رنگ های مختلف بریده و با روی هم قرار دادنشان تصاویر سه بعدی میسازد. این هنرمند اهل فیلیپین است.



سانسا استارک



سندور کلگین



سرسی لنیستر



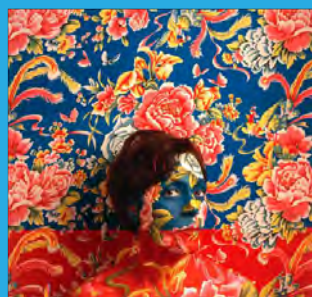
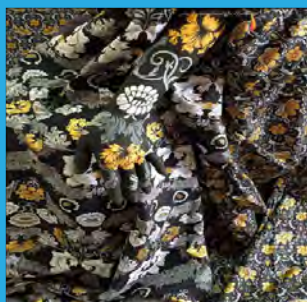
تیریون لنیستر



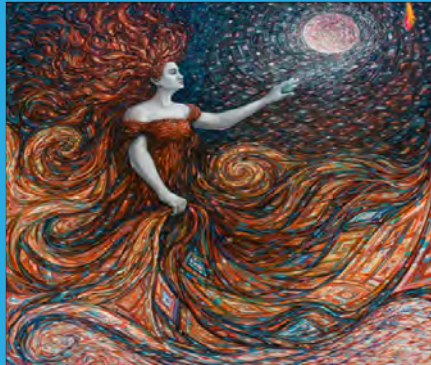
ساموئل تارلی

هنرمندی که بدن خود را رنگ میکند و در محیط ناپدید میشود!

نقاشی روی بدن یکی از هنرهایی است که به تازگی طرفداران زیادی پیدا کرده است. هنرمند اهل پرو، هنر نقاشی روی بدن را با عکاسی و هنر پرفورمنس ترکیب کرده و هنر خاص خود را خلق کرده است. این هنرمند خلاق می گوید: من لباس های طرح دار می پوشم، قسمت هایی از بدنم را رنگ می کنم؛ به شکلی که با پس زمینه کارم یکی بشوم. من از تم هایی استفاده می کنم که هویت جایی که زندگی می کنم را نشان دهد، گویی که در خانه خودم هستم.



نقاشی رنگ روغن را از سن خیلی پایین آغاز کرد. این هنرمند اهل مکزیک است و از به اشتراک گذاشتن احساسات در نقاشی هایش لذت می برد. اکثر نقاشی های او برپایه خطوط و طرح های هندسی است که با آوردن آن ها روی کاغذ و استفاده از سبک خاص خود در شکل دادن آنها احساسات خود را به نمایش می گذارد. در نگاه اول به نقاشی ها ممکن است متوجه نشویم تصویر چیست، اما نقاشی ها مثل تصویرسازی بصری هستند که جلوی چشمان ما رشد می کنند.



مایک استایکلی هنرمندی اهل کالیفرنیا است که با کنار هم چیدن کتاب ها و نقاشی روی جلد آنها اثر هنری خلق می کند. او برای مدت زمان زیادی کتاب ها را تصویرسازی می کرده، او حتی کتابی چاپ کرد که حاوی ۱۰۰ پرتره بود که بر روی صفحات یک کتاب قدیمی نقاشی شده بود. بعد از آن او به این نتیجه رسید که اگر روی خود جلد کتابها نقاشی کند ایده بسیار خوبی است. برنامه او این بود که روی جلد کتابها نقاشی بکشد و بعد همه آنها را در مقابل دیوار قرار بدهد، او در نهایت به این نتیجه رسید آنچه در ذهنش دارد از نقاشی کردن در صفحات کتاب جالب تر است. در ابتدا اولین کارهایش زیاد او را تحت تاثیر قرار ندادند، ولی وقتی کارش را در یک نمایشگاه گروهی به نمایش گذاشت خیلی مورد توجه قرار گرفت. حالا نقاشی های کتابی مایک استایکلی او را در ردیف یکی از قابل ستایش ترین نقاشان هم نسل خودش قرار داده است.



طنز هنری

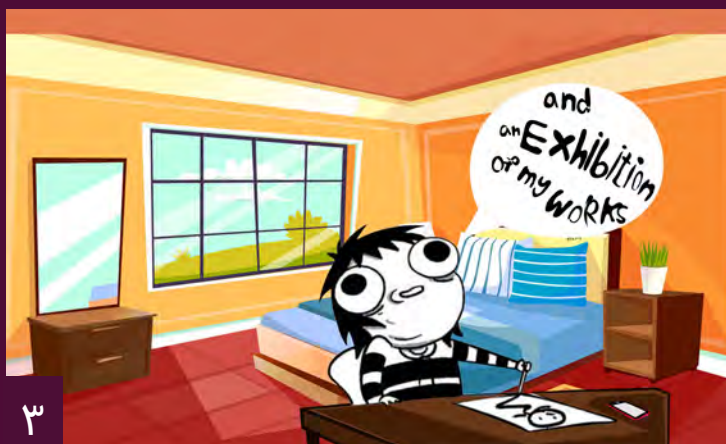
گرافیسیت : امین عبدالرحیمی دانشجوی کارشناسی شیمی محض ورودی ۹۴



۱



۲



۳



۴



۵



۶



۷

نقش خیال، گاهنامه کانون هنرهای تجسمی دانشگاه صنعتی شریف

سال چهارم، شماره پنجم بهمن ماه ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: کانون هنرهای تجسمی دانشگاه صنعتی شریف

مدیر مسئول: مهسا حسینی

سر دبیر: امین عبدالرحیمی

هیأت تحریریه: مهسا حسینی، امین عبدالرحیمی، حسین مطلبی، محمد مبارکی، زهرا

اکبری، میترا عرب، صالح فیاض

همکار این شماره: مهسا یزدی فرد

صفحه آرایی: امین عبدالرحیمی

حمایت و پشتیبانی دبیرخانه نشریات دانشگاه صنعتی شریف

جهت چاپ مطالب خود در گاهنامه و یا ارسال انتقادات و پیشنهادات، با ما تماس بگیرید

تلفن: ۶۶۱۶۵۸۰۶



visualarts_sharif



visualarts_sharif



www.vac.farhangi.sharif.edu